

مد نظر ترامپ

عصر جدید ملی‌گرایی

موجود است و از نخبگان لیبرال و کارشناسان سیاست خارجی متغیر است. ترامپ ممکن است وارث مردان و جنبش‌هایی که چنین تفکری را شکل دادند نباشد. این افراد با توسل اخلاقی‌گرایی مسیحی و گاه با نخبه‌گرایی مورد حمله قرار گرفتند. اما او با حيله و موفقیت خود را به‌عنوان نمونه‌ای بارز از فضایل فرهنگی و تمدنی غرب، بلکه به‌عنوان سرسخت‌ترین مدافع آن در برابر دشمنان درونی و بیرونی معرفی کرده است.

تجدید نظر گرایان

بیزاری ترامپ از انترناسیونالیسم جهانی، او را با پوتین، شی، مودی و اردوغان همسو می‌کند. این پنج رهبر در نرفت از محدودیت‌های سیاست خارجی و ناتوانی عصبی در ایستادن در کنار دیگران مشترک هستند. همه آنها برای تغییر فشار می‌آورند، در حالی که صرفاً به دنبال تحمیل پارامترهای مد نظر خود هستند. پوتین به دنبال روسیه‌سازی خاورمیانه نیست. شی تلاشی برای بازسازی آفریقا، آمریکای لاتین یا خاورمیانه براساس تصویر چین ندارد. مودی در تلاش برای ساخت یک هند دیگر در خارج از کشور نیست. اردوغان ایران یا جهان عرب را برای ترکیه‌ای شدن تحت فشار قرار نمی‌دهد. ترامپ نیز علاقه‌ای به آمریکایی‌سازی به عنوان دستور کار سیاست خارجی ندارد. حسن استثنایی بودن او در آمریکا، ایالات متحده را از دنیای بیرونی ذاتاً غیرآمریکایی جدا می‌کند.

تجدید نظر طلبی می‌تواند با این اجتناب جمعی از نظام‌سازی جهانی و با تحیف شدن نظم بین‌المللی همزیستی داشته باشد. از نظر شی، تاریخ و قدرت چین - نه منشور سازمان ملل یا تر جی‌یات واشنگتن - داور واقعی وضعیت در تایوان هستند، زیرا چین است که حرف اول و آخر را درباره تایوان می‌زند. هند نیز همچنان به دعوی مرزهای خود با چین و پاکستان ادامه می‌دهد. دعوی که از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ حل نشده است.

تجدید نظر طلبی اردوغان واقعی تر است. ترکیه برای سود بردن از متحد خود در آذربایجان، اخراج ارمنه آذربایجان از منطقه مورد

مناقشه قره‌باغ کوهستانی را نه از طریق مذاکره بلکه از طریق نیروی نظامی تسهیل کرد. عضویت ترکیه در ائتلاف ناتو، که متضمن تعهد رسمی به دموکراسی و یکپارچگی مرزها است، مانعی برای اردوغان ایجاد نکرد. ترکیه همچنین حضور خود را به‌عنوان یک نیروی نظامی در سوریه تثبیت کرده است. این رویکرد به‌طور دقیق شبیه به بازسازی امپراتوری عثمانی نیست. اردوغان قصد ندارد قلمرو سوریه را دائمی نگه دارد. اما پروژه‌های نظامی-سیاسی ترکیه در قفقاز جنوبی و خاورمیانه برای اردوغان یک انعکاس تاریخی دارد و آن اثبات عظمت ترکیه است. آنکارا نشان می‌دهد که ترکیه در هر جایی که اردوغان بگوید که باید باشد و خواهد بود.

در میان این موج فزاینده تجدید نظر طلبی، جنگ روسیه علیه اوکراین داستان اصلی است. سخنان پوتین که معتقد است برای «عظمت» روسیه کار می‌کند و ریاست کشوری را بر عهده دارد که در چشم او قدرتش پایانی ندارد، مملو از اشارات تاریخی است. سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، زمانی در سخنی عاقلانه گفت که نزدیکترین مشاوران پوتین «ایوان مخوف، پتر کبیر و کاترین کبیر» هستند. اما این آینده روسیه است که پوتین را به رهبری نگران‌کننده تبدیل می‌کند نه گذشته. تهاجم روسیه در سال ۲۰۲۲ یک نقطه عطف ژئوپلیتیکی مشابه آنچه که جهان در سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۳۹ و ۱۹۸۹ شاهد بود، ایجاد کرد. پوتین جنگی را برای تجزیه یا استعمار اوکراین به راه انداخت. هدف او از تهاجم، ایجاد سابقه‌ای بود که جنگ‌های مشابه را در دیگر مواقع زمانی توجیه می‌کرد و احتمالاً بازیکنان دیگر از جمله چین را در مورد پیگیری اهداف نظامی در تایوان وسوسه می‌کرد. پوتین قوانین را بازنویسی کرد. جنگ برای روسیه به بد پیش رفت اما موجب انزواي جهانی روسیه نشد. پوتین ایده جنگ در مقیاس بزرگ را به‌عنوان ابزاری برای تسخیر سرزمینی عادی‌سازی کرده است. او این کار را در اروپایی انجام داده است که زمانی مظهر نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین بود.

با این حال، جنگ در اوکراین به‌سختی می‌تواند مرگ دیپلماسی بین‌المللی را رقم بزند. از برخی جهات، جنگ دیپلماسی بین‌المللی را کلید زده است. به‌عنوان مثال، گروه BRICS که چین، هند و روسیه را به‌طور رسمی (به همراه برزیل، آفریقای جنوبی و سایر کشورهای غیرغربی) به یکدیگر متصل می‌کند، بزرگ‌تر و مسلماً منسجم‌تر شده است. از سوی دیگر، ائتلاف حامیان اوکراین بسیار فراتر از فرآیند آنتیک است. این ائتلاف شامل استرالیا، ژاپن، نیوزیلند، سنگاپور و کره جنوبی است. چندجانبه‌گرایی زنده و سالم است.



در دوره اول ترامپ، چشم‌انداز بین‌المللی نسبتاً آرام بود. هیچ جنگ بزرگی وجود نداشت. به نظر می‌رسید روسیه در اوکراین مهار شده است. به نظر می‌رسید خاورمیانه در حال ورود به دوره‌ای از ثبات نسبی است که تا حدی توسط توافق نامه آبراهام دولت ترامپ تسهیل شده و مجموعه‌ای از تقویت نظم منطقه‌ای در جریان بود. چین هرگز به تهاجم به تایوان نزدیک نشد. در عمل، البته نه در کلام، ترامپ به عنوان یک رئیس جمهور معمولی صحبت کرد و برای برتری در خاورمیانه مانور داد.

اما امروز، جنگ بزرگی در اروپا در جریان است، خاورمیانه در آشفتنی به سر می‌برد و نظم قدیمی بین‌الملل از هم پاشیده است. تلاقی عوامل ممکن است منجر به فاجعه شود: فرسایش بیشتر قوانین و مرزها و استیصال فزاینده دولت‌های متوسط و کوچک‌تر دیده می‌شود. احتمال وقوع یک فاجعه در اوکراین بیشتر از تایوان یا خاورمیانه است زیرا پتانسیل جنگ جهانی و جنگ هسته‌ای در اوکراین بیشتر است. حتی در نظم مبتنی بر قوانین، یکپارچگی مرزها هرگز مطلق نبوده است؛ بویژه مرزهای کشورهای مجاور روسیه، اما از زمان پایان جنگ سرد، اروپا و ایالات متحده به اصل حاکمیت ارضی متعهد باقی مانده‌اند. سرمایه‌گذاری هنگفت آنها در اوکراین چشم‌انداز متمایز امنیت اروپا را تقویت کرده است چراکه اگر می‌شد مرزها را با زور تغییر داد، اروپا به جنگی همه‌جانبه فرو می‌رفت. صلح در اروپا تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مرزها به‌راحتی قابل تغییر نباشند. ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود بر اهمیت حاکمیت ارضی تأکید کرد و قول داد که یک «دیوار بزرگ و زیبا» در امتداد مرز ایالات متحده با مکزیک بسازد. اما در آن دوره اول، ترامپ مجبور نبود با یک جنگ بزرگ در اروپا دست‌وپنجه نرم کند. اکنون واضح است که اعتقاد او به تقدس مرزها در درجه اول در مورد مرزهای ایالات متحده صدق می‌کند. در همین حال، چین و هند نسبت به جنگ روسیه ملاحظاتی دارند، اما همراه با برزیل، فیلیپین و بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای دیگر، تصمیم بزرگی برای حفظ روابط خود با روسیه گرفته‌اند، حتی در شرایطی که پوتین برای نابودی اوکراین تلاش می‌کند. حاکمیت اوکراین برای این کشورهای «بی‌طرف» و در مقایسه با ارزش روسیه بابتان در دوران پوتین و ارزش تداوم معاملات انرژی و تسلیحات بی‌اهمیت است.

این کشورها ممکن است خطرات پذیرش تجدید نظر طلبی روسیه را دست‌کم بگیرند. تجدید نظر طلبی روسیه می‌تواند نه به ثبات بلکه به یک جنگ گسترده‌تر منجر شود. جریان اوکراین همسایگان را به وحشت می‌اندازد. استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان اعضای ناتو هستند که ذیل تعهد ماده ۵ ناتو برای دفاع متقابل قرار دارند. با این حال، اجرای ماده ۵ بسیار به تمایل ایالات متحده بستگی دارد و ایالات متحده بسیار دور است. اگر لهستان و جمهوری‌های بالتیک به این نتیجه برسند که اوکراین در آستانه شکستی است که حاکمیت آنها را به خطر می‌اندازد، ممکن است انتخاب کنند که مستقیماً به مبارزه بپیوندند. روسیه ممکن است با تحمیل جنگ به آنها پاسخ دهد. نتیجه مشابهی می‌تواند ناشی از یک معامله بزرگ بین واشنگتن، کشورهای اروپای غربی و مسکو باشد که به جنگ براساس شرایط روسیه پایان می‌دهد اما تأثیر رادیکالیزه‌کننده بر همسایگان اوکراین دارد. آنها از ترس تجاوز روسیه از یک سو و رها شدن توسط متحدان شان از سوی دیگر، ممکن است حمله کنند. حتی اگر ایالات متحده در بنبوحه جنگ سراسری اروپا در حاشیه بماند، فرانسه، آلمان و بریتانیا احتمالاً بی‌طرف نخواهند ماند. اگر جنگ در اوکراین به این ترتیب گسترش یابد، نتیجه آن به شدت بر شهرت ترامپ و پوتین تأثیر می‌گذارد.

در این چشم‌انداز ژئوپلیتیکی متغیر، روابط متلون و پیچیده هستند. پوتین و شی یک شراکت ایجاد کرده‌اند، اما این شراکت یک اتحاد کامل نیست. شی هیچ دلیلی برای تقلید از گسست بی‌بروای پوتین از اروپا و ایالات متحده ندارد. روسیه و ترکیه با وجود اینکه رقیب یکدیگر هستند، حداقل می‌توانند اقدامات خود را در خاورمیانه و قفقاز جنوبی هماهنگ کنند. هند به شدت مراقب چین است. اگرچه برخی از تحلیلگران، چین، ایران، کره شمالی و روسیه را به‌عنوان یک «محور» توصیف می‌کنند، اما واقعیت این است که این چهار کشور عمیقاً متفاوت هستند و منافع و جهان بینی آنها غالباً متفاوت است.

سیاست خارجی این کشورها بر تاریخ و منحصر به فرد بودن شان تأکید دارد. این امر خلاف همگرایی آنها عمل می‌کند و تشکیل محورهای پایدار را برپا می‌کند. یک محور نیاز به هماهنگی دارد، در حالی که تعامل بین این کشورها سیال، معاملاتی و شخصیت‌محور است. هیچ چیز در اینجا سیاه و سفید نیست، هیچ چیز قطعی نیست و هیچ چیز غیر قابل مذاکره نیست. این محیط بین‌المللی کاملاً مد نظر ترامپ است. هیچ گسل تعریف‌شده مذهبی و فرهنگی او را محدود نمی‌کند. او اغلب به افراد، بیش از دولت‌ها و به روابط شخصی بیش از اتحاد‌های رسمی اهمیت می‌دهد. اگرچه آلمان متحد ایالات متحده در ناتو و روسیه یک دشمن همیشگی است، اما ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود با آنکارا مرکل صدراعظم آلمان درگیر شد و با پوتین با احترام برخورد کرد. کشورهایی که ترامپ بیشتر با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، کشورهایی هستند که در غرب قرار دارند. اگر هائیتینگتون زنده بود و این وضعیت را می‌دید، مسلماً گیج می‌شد.

چشم‌انداز جنگ

دوره اول ترامپ، چشم‌انداز بین‌المللی نسبتاً آرام بود. هیچ جنگ بزرگی وجود نداشت. به نظر می‌رسید روسیه در اوکراین مهار شده است. به نظر می‌رسید خاورمیانه در حال ورود به دوره‌ای از ثبات نسبی است که تا حدی توسط توافق نامه آبراهام دولت ترامپ تسهیل شده و مجموعه‌ای از معاملات با هدف تقویت نظم منطقه‌ای در جریان بود. چین هرگز به تهاجم به تایوان نزدیک نشد. در عمل، البته نه در کلام، ترامپ به عنوان یک رئیس جمهور معمولی صحبت کرد و برای برتری در خاورمیانه مانور داد.

اما امروز، جنگ بزرگی در اروپا در جریان است، خاورمیانه در آشفتنی به سر می‌برد و نظم قدیمی بین‌الملل از هم پاشیده است. تلاقی عوامل ممکن است منجر به فاجعه شود: فرسایش بیشتر قوانین و مرزها و استیصال فزاینده دولت‌های متوسط و کوچک‌تر دیده می‌شود. احتمال وقوع یک فاجعه در اوکراین بیشتر از تایوان یا خاورمیانه است زیرا پتانسیل جنگ جهانی و جنگ هسته‌ای در اوکراین بیشتر است.

حتی در نظم مبتنی بر قوانین، یکپارچگی مرزها هرگز مطلق نبوده است؛ بویژه مرزهای کشورهای مجاور روسیه، اما از زمان پایان جنگ سرد، اروپا و ایالات متحده به اصل حاکمیت ارضی متعهد باقی مانده‌اند. سرمایه‌گذاری هنگفت آنها در اوکراین چشم‌انداز متمایز امنیت اروپا را تقویت کرده است چراکه اگر می‌شد مرزها را با زور تغییر داد، اروپا به جنگی همه‌جانبه فرو می‌رفت. صلح در اروپا تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مرزها به‌راحتی قابل تغییر نباشند. ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود بر اهمیت حاکمیت ارضی تأکید کرد و قول داد که یک «دیوار بزرگ و زیبا» در امتداد مرز ایالات متحده با مکزیک بسازد. اما در آن دوره اول، ترامپ مجبور نبود با یک جنگ بزرگ در اروپا دست‌وپنجه نرم کند. اکنون واضح است که اعتقاد او به تقدس مرزها در درجه اول در مورد مرزهای ایالات متحده صدق می‌کند. در همین حال، چین و هند نسبت به جنگ روسیه ملاحظاتی دارند، اما همراه با برزیل، فیلیپین و بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای دیگر، تصمیم بزرگی برای حفظ روابط خود با روسیه گرفته‌اند، حتی در شرایطی که پوتین برای نابودی اوکراین تلاش می‌کند. حاکمیت اوکراین برای این کشورهای «بی‌طرف» و در مقایسه با ارزش روسیه بابتان در دوران پوتین و ارزش تداوم معاملات انرژی و تسلیحات بی‌اهمیت است.

این کشورها ممکن است خطرات پذیرش تجدید نظر طلبی روسیه را دست‌کم بگیرند. تجدید نظر طلبی روسیه می‌تواند نه به ثبات بلکه به یک جنگ گسترده‌تر منجر شود. جریان اوکراین همسایگان را به وحشت می‌اندازد. استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان اعضای ناتو هستند که ذیل تعهد ماده ۵ ناتو برای دفاع متقابل قرار دارند. با این حال، اجرای ماده ۵ بسیار به تمایل ایالات متحده بستگی دارد و ایالات متحده بسیار دور است. اگر لهستان و جمهوری‌های بالتیک به این نتیجه برسند که اوکراین در آستانه شکستی است که حاکمیت آنها را به خطر می‌اندازد، ممکن است انتخاب کنند که مستقیماً به مبارزه بپیوندند. روسیه ممکن است با تحمیل جنگ به آنها پاسخ دهد. نتیجه مشابهی می‌تواند ناشی از یک معامله بزرگ بین واشنگتن، کشورهای اروپای غربی و مسکو باشد که به جنگ براساس شرایط روسیه پایان می‌دهد اما تأثیر رادیکالیزه‌کننده بر همسایگان اوکراین دارد. آنها از ترس تجاوز روسیه از یک سو و رها شدن توسط متحدان شان از سوی دیگر، ممکن است حمله کنند. حتی اگر ایالات متحده در بنبوحه جنگ سراسری اروپا در حاشیه بماند، فرانسه، آلمان و بریتانیا احتمالاً بی‌طرف نخواهند ماند. اگر جنگ در اوکراین به این ترتیب گسترش یابد، نتیجه آن به شدت بر شهرت ترامپ و پوتین تأثیر می‌گذارد.



باکوچاندن فلسطینی‌ها مخالفیم

وزیر خارجه و معاون نخست‌وزیر عراق در حاشیه سفر به قاهره برای حضور در نشست وزرای خارجه شورای اتحادیه عرب، با بدرعبدالعاطی، وزیر خارجه مصر دیدار کرد. براساس بیانیه وزارت خارجه عراق، «فؤاد حسین»، وزیر خارجه و معاون نخست‌وزیر عراق در حاشیه سفر به قاهره برای حضور در نشست وزرای خارجه شورای اتحادیه عرب، با بدرعبدالعاطی، وزیر خارجه مصر دیدار کرد و هر دو وزیر طی این دیدار راه‌های توسعه روابط دوجانبه و تقویت همکاری در زمینه‌های مختلف و شماری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهتمام مشترک را بررسی کردند. وزیر خارجه عراق در این دیدار بر اهمیت همکاری مشترک برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای و موضع همیشگی عراق در حمایت از فلسطینی‌ها به منظور دستیابی به حقوق قانونی و کشور مستقل خود و نیز مخالفت با کوچاندن آن‌ها از خاکشان تأکید کرد. در این دیدار اقدامات در حال انجام برای نشست اضطراری کشورهای عربی که قرار است سه‌شنبه در قاهره برای گفت‌وگو درباره تحولات مسئله فلسطین برگزار شود، بررسی شد.



طرح «جهنم غزه»

سازمان رادیو تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که کابینه این رژیم برنامه‌ای را با عنوان طرح «جهنم غزه» تدوین کرده که شامل توقف کامل کمک‌های انسانی، تخلیه اجباری مجدد ساکنان شمال غزه به سمت جنوب، قطع برق و در نهایت، ازسربگیری حملات گسترده نظامی است. در همین راستا، شبکه صهیونیستی «۱۱ کان» فاش کرد که این طرح ممکن است ظرف یک هفته آینده اجرایی شود. بر اساس این گزارش، یکی از گزینه‌های مورد بررسی در این برنامه، قطع کامل تأمین آب نوار غزه نیز خواهد بود. بنا بر اعلام این شبکه، این طرح در چند مرحله اجرا خواهد شد. مرحله نخست، که هم‌اکنون آغاز شده، شامل قطع کمک‌های انسانی به نوار غزه است. در مراحل بعدی، رژیم صهیونیستی بار دیگر ساکنان شمال غزه را مجبور به ترک خانه‌های خود و حرکت به سمت جنوب خواهد کرد.



هیچ توافقی وجود ندارد

به‌رغم اعلام رئیس‌جمهور فرانسه درباره طرح آتش‌بس یک‌ماهه در اوکراین، یک وزیر بریتانیا گفت فرانسه و بریتانیا بر سر طرح آتش‌بس جزئی برای اوکراین به توافق نرسیده‌اند. «لوک پولارد» وزیر نیروهای مسلح انگلیس به رادیو تایمز گفت: «هیچ توافقی در مورد چگونگی آتش‌بس انجام نشده است.» همچنین یک مقام دیگر دولت بریتانیا گفت که «توافق یک‌ماهه آتش‌بس حاصل نشده است.» «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه در راه اجلاس لندن به روزنامه فیگارو گفت که فرانسه و بریتانیا می‌خواهند یک آتش‌بس جزئی یک‌ماهه را «در هوا، دریا و زیرساخت‌های انرژی» پیشنهاد کنند. با این حال پولارد گفته است که انتظار می‌رود در هفته‌های آتی، اعلامیه‌های بیشتری از سوی متحدان اروپایی درباره چگونگی افزایش حمایت از اوکراین پس از نشست سران اروپایی در لندن منتشر شود. انتظار می‌رود که «کی‌یر استارمر» نخست‌وزیر بریتانیا در جلسه عوام به نمایندگان مجلس توضیحاتی درباره دیدار با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین نشست سران بدهد.